



## امام کاظم(ع)؛ الگوی کنترل خشم برای زیست اجتماعی انسان معاصر

پژوهشگر و محقق بنیاد فرهنگی امامت اظهار کرد

پژوهشگر و محقق بنیاد فرهنگی امامت اظهار کرد: امام کاظم(ع) بر خشمشان غلبه می کردند و به همین سبب کاظم لقب گرفتند. امروزه کنترل خشم برای زیست سالم در جامعه اهمیت دارد، زیرا اکثر رفتارهای ناشایست از آن ناشی می شود.

امام کاظم(ع)؛ الگوی کنترل خشم برای زیست سالم اجتماعی انسان معاصر در سالروز شهادت هفتمین امام همام و ستاره آسمان ولایت، حضرت موسی بن جعفر(ع)، قرار داریم؛ امامی که در دوره چند خلیفه جابر عباسی زیست، ولی با علم امامت و تدابیر برخاسته از عقلانیت دینی توانست نقش های مهمی را در تقویت شیعه و دین اسلام ایفا کند.

خبرنگار ایکننا به همین مناسبت با حجت الاسلام والمسلمین علی جلالی، پژوهشگر و محقق بنیاد فرهنگی امامت، گفت وگو کرده است که در ادامه می خوانید؛

ایکننا - وضعیت زمانه و زندگی امام کاظم(ع) چگونه بود و چه محدودیت هایی برایشان وجود داشت؟

امام کاظم(ع) با چهار خلیفه از خلفای عباسی همزمان بودند. امام صادق(ع) می دانستند که منصور عباسی قصد جان فرزند و جانشین ایشان را دارد. لذا به چند نفر از جمله خود منصور وصیت کرد که مبادا دست به این کار بزنند. البته در نهایت منصور به هلاکت رسید و بعد از او مهدی عباسی روی کار آمد و او نیز مانند خلیفه قبل به شیعیان به خصوص امام صادق(ع) بسیار سخت می گرفت.

در تاریخ نقل است که سختگیری وی از خلیفه قبلی بیشتر بود و بعد از او هادی عباسی، سادات و بنی هاشم را زیر سخت ترین فشارها قرار داد و حقوق آنان را از بیت المال سلب و دستور تعقیب و بازداشت آنان را صادر کرد. تا اینکه زمامداری به هارون رسید که خلیفه مقتدری بود و بسیار به بنی هاشم و خاندان و فرزندان امیرالمؤمنین(ع) سخت گرفت. او نخستین کسی بود که دستور داد قبر امام حسین(ع) را خراب کنند و بارها امام کاظم(ع) را به زندان انداخت و مانند اسلاف خود این امام همام را شهید کرد.

امام کاظم(ع) در دوره ۲۵ ساله امامتش فعالیت های متعددی داشتند که اولین آن تداوم حوزه علمی بود که امام باقر و امام صادق(ع) آن را ایجاد کردند و توسعه دادند. مناظراتی که آن حضرت با خلفا و برخی رهبران ادیان و فرق مذهبی دیگر داشتند باقی مانده است. گسترش سازمان وکالت از ویژگی های بارز این دوره محسوب می شود و شیعیان به صورت سازماندهی شده توانستند با یکدیگر مرتبط باشند و از این طریق به مشکلات اقتصادی، اعتقادی، اجتماعی و سیاسی شیعیان پاسخ داده می شد.

ایکننا - نحوه تعامل امام کاظم(ع) با گروه های دیگر مانند معتزلیان و اهل حدیث و برخورد با احادیث جعلی چگونه بود؟

در آن زمان علاوه بر وجود مرجئه، معتزله و خوارج و برخی گروه های منحرف فکری، در درون شیعیان هم اختلافاتی ایجاد شده بود؛ از جمله فطحیه که عبدالله افطح را جانشین امام صادق(ع) کرده و عده ای به سمت محمد دیباج رفته و عده ای طرفدار اسماعیل و برخی طرفدار فرزند اسماعیل یعنی محمد شده و برخی هم طرفدار غلو به رهبری محمد بن بشیر شده بودند که امام معصوم را خدا می دانست و خودش را نبی او معرفی کرده بود و امام باید در جایگاه حجت خدا با این افراد برخورد می کرد.

امام راهبردهای مختلفی را برای مواجهه با این انحرافات به کار بردند که مهمترین آنها راهبرد تبیینی بود؛ امام و شاگردانشان اعتقادات درست را در جامعه مطرح می کردند تا شبهات رفع شود و کسانی که واقعاً فریب خورده بودند به راه درست برگردند. راهبرد دیگر امام، تذکر دادن و انذار و تنذیر بود. کسی مانند زیاد بن مروان قندی از امام تذکر گرفت و امام انحراف او را متذکر شد. مواجهه دیگر امام، عملی بود و اگر کسی مورد توصیه و تنذیر امام(ع) قرار می گرفت، ولی باز به دنبال گسترش و رواج عقاید باطل خود در بین شیعه بود، ممکن بود دستور قتل وی صادر شود و ریختن خون او را جایز و مباح بدانند. امام کاظم(ع) در مورد محمد بن بشیر فرمودند که او به ما دروغ می بندد و او را لعن کردند و مهدور الدم دانستند. پس امام(ع) علاوه بر زندان و مراقبت

های بسیار، از جامعه شیعه غافل نبودند و تلاش کردند تا جامعه شیعه دچار انحراف فکری و عقیدتی و فروپاشی عقیدتی نشود.

ایکنا - مهمترین فعالیت های امام کاظم در دوره امامتشان چه بود؟

زندگی و امامت امام کاظم(ع) در اواخر دوره بنی امیه و اوایل دوره عباسی بود؛ در این زمان چون این دو با هم درگیری داشتند فرصت خوبی برای آن امام و به تبعیت از امام صادق(ع) برای توسعه مباحث علمی و گسترش تشیع فراهم شد. همچنین، منصور عباسی در اوایل خلافتش واهمه داشت تا آسیبی به امام برساند و ایشان را تحت فشار قرار دهد. لذا راه مدارا پیش گرفت. البته هر قدر زمان گذشت، منصور بیشتر بر امام(ع) سختگیری کرد تا جایی که در دوره هارون به اوج رسید، ولی امام(ع) دست از مدرسه علمی و فعالیت های خود برنداشتند. ارتباط با حضرت کم شده بود و راویان حدیث در نقل احادیث، تعبیری را برای نام آن حضرت استفاده می کردند که جالب است مثلاً سمعت اباابراهیم، سمعت ابوالحسن و سمعت عبد صالح، سید، عالم، حدیثی رجل، یعنی جرئت نداشتند نام آن حضرت را در مقطعی بر زبان بیاورند و امام(ع) به یارانشان دستور دادند که روابط شیعه با امام و بین خودشان را پنهان کنند.

هارون امام را احضار می کرد و ایشان را به زندان می فرستاد و این مسائل سبب شد که امام نتوانند مانند امام صادق(ع) حوزه علمی شیعه را توسعه دهند، ولی آن حضرت شاگردان بزرگی چون یونس بن عبدالرحمان و صفوان بن یحیی، محمد بن ابی عمیر و بنزلی و... را تربیت کردند که جزء اصحاب اجماع بودند. مدرسه امام کاظم(ع) تعطیل نشد، البته این خفقان ها و سختی ها سبب شد تا گستردگی مدرسه امام کاظم(ع) به گستردگی مدرسه پدرشان نباشد.

بعد از وفات پیامبر(ص) و کنار گذاشتن باب علم، ایشان یعنی وجود مقدس و نورانی امیرالمؤمنین(ع)، افرادی که اطلاع درستی از مباحث دینی نداشتند به میدان آمدند و اطلاعات غلطی را ارائه کردند و این مسیر با ایجاد یک چارچوب برای معتقدات خودشان ایجاد شد. فرقه هایی را ایجاد کردند که سبب شد جامعه از مسیر اهل بیت(ع) و معدن وحی منحرف شود، از جمله این فرقه ها معتزله بود یا در دوره بعد از منع حدیث، حکومت افرادی زیادی را برای جعل حدیث در راستای اهداف خود اجیر کرد و اینها به اعتقادات مردم جهت دادند و نیز اعتقادات خودشان را صحیح و اعتقادات ائمه اهل بیت(ع) را انحرافی جلوه دادند؛ کسانی چون ابوهریره، سمرة بن جندب و عروة بن زبیرها این کار را با نسبت دادن یکسری جعلیات به پیامبر(ص) انجام دادند و عقایدی را رواج دادند که ماحصل کلام پیامبر(ص) نبود، بلکه در مدرسه سقیفه درست شده بود.

ایکنا - نحوه مواجهه حضرت با اهل حدیث و دیگر جریانات فکری چگونه بود؟

ائمه(ع) به ویژه وجود مبارک امام کاظم(ع) که در ایام شهادت ایشان قرار داریم هم شاگردانشان را مجهز کردند و هم مطالب درست را با مردم مطرح کردند و به جعلیات و تحریفات و برداشت های ظاهرگرایانه اهل حدیث از روایات تاختند و به شبهات پاسخ دادند؛ شاگردان آن حضرت هم خدمت ایشان می رسیدند و سؤال می پرسیدند و از پاسخ های امام برای رفع مشکلات فکری و عقیدتی جامعه استفاده می کردند؛ مثلاً اهل حدیث جبرگرا بودند و در برابر آنها معتزله قرار داشتند و امام کاظم(ع) دیدگاه صحیح را مطرح می کردند.

امام یاران خود از جمله هشام بن حکم را به مباحث فلسفی و کلامی مجهز کردند که شاگرد امام صادق(ع) هم بود و نقش مهمی در تبیین عقاید درست دینی داشت یا امام کاظم(ع) به محمد بن حکیم فرمودند که در مسجد مدینه بنشیند و به پرسش های عقیدتی و فکری و فقهی مردم پاسخ دهد و چون حرکت های علمی و فرهنگی به مذاق حاکمان خوش نمی آمد، سرانجام ایشان را به قتل رساندند.

ایکنا - چه مطالب و بیاناتی از امام کاظم(ع) می تواند برای امروز ما درس آموز باشد؟

امام(ع) مقام عصمت دارند و هر فعل و قول و تقریر او معصومانه و برای انسان ها الگوست؛ وجود مبارک رسول الله(ص) ما یُنطق عن الهوی است و حرف بی دلیل و بدون پشتوانه الهی نمی زند. این مقام بعد از پیامبر(ص) برای اهل بیت(ع) هم ثابت است و هر بیانی که از امام کاظم(ع) به ما رسیده است الگو محسوب می شود و می توانیم به آن اقتدا کنیم. بیانات مختلفی از آن امام

وجود دارد، ولی من بیانی را ذکر می کنم که شاید خیلی در مجالس بیان شده است، ولی به دلیل اهمیت آن و اینکه گم شده جامعه امروز است باید بر آن تأکید کنیم.

امام کاظم(ع) از این نظر کاظم لقب گرفتند، چون غلبه بر خشم مقوله خیلی مهمی برای زیست سالم در جامعه امروز تلقی می شود و اکنون جامعه ما گرفتار آن است؛ اگر به دادگاه ها و پرونده ها نگاه کنیم، اکثراً به این علت رخ داده است که فردی یک لحظه عصبانی شده و رفتار ناشایستی کرده است و یک عمر باید پشیمان باشد. امام کاظم(ع) در طول زندگی شان این درس عملی را به ما دادند که اگر بتوانیم عصبانیت و خشممان را کنترل کنیم، زندگی زیباتر و قشنگ تری خواهیم داشت.

گفت وگو از علی فرج زاده